

ویژگی‌های حکومت اسلامی و مسئولان آن در کلام امام خمینی (ره)

(ارائه مقاله در بخش دانشجویی کنگره)

غلام احیا حسینی^۱

چکیده

بررسی نظریات امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی در ایران، بدان جهت که شخصیت اصلی و محوری انقلاب اسلامی بوده‌اند، همیشه برای محققان عرصه اجتماعی و سیاسی قابل توجه بوده است. در نوشتار پیش‌رو سعی بر آن است در ابتدا با گذری کوتاه بر مبانی حکومت اسلامی از نظرگاه امام خمینی (ره) به صفات کارگزاران و مسئولان نظام اسلامی پرداخته شود. مهمترین خصوصیتی که می‌توان برای یک مسئول و کارگزار از دید امام خمینی (ره) برشمرد، شامل: تقوی و تزکیه نفس، ساده‌زیستی، توکل به خدا و اعتماد به نفس، تعهد به موازین و معیارهای اسلامی، استقامت و بردباری در مشکلات، اشاعه معنویت و اقامه عدالت، مردمی بودن، عمل‌گرایی و پرهیز از شعارگرایی، انتقادپذیری و زائل کردن خوی خودخواهی، پرهیز از قدرت‌طلبی، قانون‌گرایی و پیروی از ولایت فقیه است. برخی از این موارد چون اقامه عدل، نقش محوری را در نظام اسلامی دارا است.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، کارگزاران، حکومت اسلامی، مسئولان، معنویت، عدل

۱- کارشناسی ارشد مذاهب اسلامی از جامعه المصطفی العالمیه

۱- مقدمه

برای تبیین صفات و ویژگی‌های کارگزاران از منظر امام خمینی (ره)، لازم است مختصری درباره حکومت از منظر ایشان پرداخته شود؛ پرداختن به این مطلب به این دلیل که اوصاف کارگزارانی که امام خمینی (ره) مطرح کرده در راستای حکومتی است که مورد قبول ایشان است، اهمیتی مضاعف پیدا خواهد نمود. بسیاری از آن اوصاف به ویژگی‌های فردی انسان باز می‌گردد و به همین علت است که می‌تواند برای تمام کسانی که در امور اجرائی و اداری کشورهای خود سهیم هستند یا در آینده سهیم خواهند شد به کار گرفته شود.

دیدگاه حضرت امام نسبت به حکومت، کاملاً مخالف با نظری است که بر طبق آن تشکیل هرگونه حکومت در دوران غیبت ممنوع اعلام شده است. حضرت امام خمینی در مصاحبه با خبرنگار روزنامه ایتالیائی لوتاکونینو در مورخه ۱۳۵۷/۱۰/۱۹ درباره حکومت می‌فرماید:

«اساساً حکومت کردن و زمامداری در اسلام یک تکلیف و وظیفه الهی است که یک فرد در مقام حکومت و زمامداری، گذشته از وظایفی که بر همه مسلمین واجب است، یک سلسله تکالیف سنگین دیگری نیز بر عهده اوست که باید انجام دهد. حکومت و زمامداری در دست فرد یا افراد، وسیله فخر و بزرگی بر دیگران نیست که از این مقام بخواهد به نفع خود حقوق ملتی را پایمال کند» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۰۹).

این نگاه به حکومت ممکن است این شبهه را به ذهن آورد که امکان سوءاستفاده از قدرت میسر است؛ زیرا چنین زمامداری، خود را مکلف و موظف در برابر خداوند می‌داند، نه پاسخگوی مردم؛ در نتیجه او به نام انجام وظیفه، به حقوق مردم تعدی می‌کند. برای جلوگیری از این شبهه، امام خمینی (ره) در ادامه سخن فوق صریحاً به عدم تنافی بین وظیفه الهی بودن حکومت و ضرورت پاسخگویی زمامداران در مقابل مردم اشاره می‌کند و می‌گوید:

«هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این صورت اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است.» (همان)

این نگاه به قدرت سیاسی، به مردم شجاعت و توانایی برخورد با انحرافات می‌دهد. آنان می‌توانند با تکیه بر اصل امر به معروف و نهی از منکر با حاکمان سوءاستفاده‌کننده از قدرت برخورد کنند:

«همه ... مسئولیم در مقابل خدا و در مقابل وجدان و همه‌مان باید مراعات بکنیم، یعنی نه این که مراعات خودمان را، من مراعات همه شما را بکنم، شما هم هر یک مراعات همه را. یک همچو برنامه است که همه را وادار کرده که به همه چرا بگوییم، همه را، به هر فردی، لازم کرده به این که امر به معروف کند....»

تربیت اسلامی این است که در مقابل اجرای احکام خدا و در مقابل راه انداختن نهضت‌های اسلامی، هیچ ملاحظه از کسی نکند. این آقا است این غیر آقا، این پدر است این پسر است، این رئیس است این مرئوس است، ابداً این مسائل نباشد در کار. مسئله این باشد که این آیا به طریق اسلام دارد عمل می‌کند یا نه. به طریق اسلام عمل می‌کند، هر فردی باشد باید از او قدردانی کرد و تشویق کرد و محبت به او کرد. برخلاف اسلام که باشد هر فردی می‌خواهد باشد، یک روحانی عالی مقام باشد، یک آدمی باشد که مثلاً رأس باشد، یک سرکرده باشد، وقتی

دیدند برخلاف مسیر دارد عمل می‌کند، هر یک از افراد موظفند که به او بگویند که این خلاف است، جلوی او را بگیریم.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۱۰)

در نگاه امام خمینی (ره) با همان مبنای دینی و اسلامی، حکومت به خودی خود دارای ارزش نیست. زمامداری هنگامی ارزشمند می‌شود که در مسیر اهداف الهی قرار گیرد. زمامدار و حکمران، متعهد است آثار دین را در جامعه زنده کند و دامنه اصلاح را در شهرها بگستراند، تا بندگان ستم‌دیده خدا امنیت و آسایش یابند و احکام الهی از تعطیلی و توقف بیرون آید. امام خمینی (ره) با الهام از آموزه‌های دینی، بر این دیدگاه دینی صحه می‌گذارد که عهده‌دار شدن حکومت فی حدّ ذاته شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است.

در زمان ما، بخش مهمی از پژوهش‌های مدیریتی در هر نظام سیاسی، به مدیریت انسانی و شیوه‌های تامین رضایت کارکنان و ارباب رجوع از راه آموزش و اخلاق اختصاص یافته است. با توجه به این مهم و در نظر داشتن این نکته که اولین تجربه جدی حکومت دینی تشیع در ایران به وقوع پیوسته است، در سطور آتی سعی بر آن خواهد بود که نکاتی که امام خمینی (ره) به عنوان مشخصات کارگزاران حکومت اسلامی مدنظر داشتند به‌طور خلاصه فهرست شود.

نکته قابل ذکر در مورد ویژگی انقلاب اسلامی ایران این مسئله است که زمامداران و طراحان اصلی آن از طبقه روحانی تشیع به حساب می‌آیند و بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران نیز خود به عنوان چهره‌ای کاملاً روحانی شناخته می‌شود. لذا رهنمودهای فراوانی را از سوی رهبری انقلاب ایران حضرت امام خمینی (ره) در مورد حکومت اسلامی و مسائل مربوط به آن مانند اخلاق کارگزاران شاهد هستیم. با نگاهی کلی به فضای بیانات و پیام‌های امام خمینی (ره) مخصوصاً در ایام نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی و در سال‌های نخست به ثمر نشستن انقلاب، بخش عظیمی از آن بیانات و پیام‌ها به اخلاق اداری و شیوه سلوک کارگزاران نظام اسلامی با مردم اختصاص یافته است.

۲- صفات مسئولین در نظام اسلامی

در بحث صفات و مشخصات مسئولین در نظام اسلامی، آنچه قابل توجه می‌نماید واژه اسلامی است که بر کل فضای این چند کلمه تأثیر کلیدی دارد. یعنی بحث از صفات مسئولینی است که اخلاق و رفتار آنها بر معیار اسلام، سنجیده می‌شود. با توجه به همین نکته است که در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، ایمان به حقیقت هستی و باورهای دینی در اخلاق اداری نقشی مبنایی دارد؛ از این‌رو، ایشان در دستورالعمل‌ها و سفارش‌های خود به مسئولین همواره این محور توحیدی و الهی را به ایشان یادآور شده و معیار اصلی را نشان داده است. و بیش از همه مسئولان نظامی و اداری کشور را به توجه به یاد حق تأکید می‌فرماید. حضرت امام -آن‌چنان که در سطور آتی خواهد آمد- همواره کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری و نظامی و روحانیون را با توجه بخشیدن به حاضر و ناظر حقیقی و یادآوری حسابرسی دقیق الهی، به پایبندی به اصول اخلاق اداری فرا می‌خواند؛ چه آنکه به خدای متعال ایمان دارد و خود را در محضر او می‌بیند و بی‌گمان پایبند به اصول اخلاق

انسانی می‌باشد. و آنکه معاد را باور دارد و حساب و کتاب دقیق الهی را بر کردار و رفتار خود حاکم می‌داند، بی‌گمان به آنچه از او صادر می‌شود، توجهی دقیق می‌کند.

بهترین کمال برای انسان قرب الهی است و انسان هنگامی که خدا را ناظر بر اعمال خود ببیند و بداند که خدا با اوست، دیگر دست به گناهی نمی‌برد. خدا را بر همه چیز ناظر دانستن جز با تزکیه نفس حاصل نمی‌شود. حضرت امام نیز با توجه به همین نکته در سفارش‌های فراوان، مسئولین امر را به نکته توجه داده‌اند:

۲-۱- ضرورت تقوی

کارگزاران و مسئولین اگر خداترس نبوده و تقوی نداشته باشند، در مرحله اول امکان این‌که خدا را ناسپاسی کرده و اندیشه خیانت به اسلام و مردم را در ذهن پرورانند وجود دارد؛ اما تقوی عاملی در خودنگهداری و نلغزیدن محسوب می‌شود.

«این‌هایی که در رأس امورند اگر تقوا نداشته باشند، این به همه کشور سرایت می‌کند، همه کشور را یک وقت خدای نخواستہ به باد می‌دهد و لہذا برای آنها اهمیت تقوا بسیار بیشتر است.» (صحیفہ امام ج ۱۷، ص ۱۲۳)

امام در جایی دیگر ریشہ اختلافات را در عدم تقوی می‌داند:

«اختلافاتی که در دولت‌های بزرگ پیش می‌آید، برای این‌که تقوا ندارند، تقوای سیاسی ندارند، تقوای اجتماعی ندارند، تقوای شخصی و اخلاقی ندارند. این اسباب این می‌شود که این می‌خواهد او را بچاپد، او هم می‌خواهد این را بچاپد، این موجب این می‌شود که دعوا بشود. اما اگر تقوا در کار بود و اگر چنان‌چه هر کسی روی مرز خودش عمل می‌کرد، این همه جنگ و جدال پیش نمی‌آمد.» (همان)

۲-۲- تزکیه نفس، ضرورت زمامداری

ایشان در سخنانی اصلاح مردم و کشور را در اصلاح مسئولان بلندپایه نظام می‌داند:

«تا تزکیه در رده‌های بالا حاصل نشود و تصفیه در رده‌های بالا حاصل نشود این مملکت و همه ممالکی که هستند، اصلاح نخواهند شد.» (همان، ج ۱۴، ص ۳۹۳)

از آن‌جا که به‌طور معمول رفتار و کردار مسئولان و شخصیت‌های بزرگ یک نظام در میان توده‌ها تأثیر مثبت یا منفی خود را دارد، ایشان نیز لازمه آرامش کشور را در آرامش مسئولین آن نظام دانسته و بار دیگر بر تأثیر رفتار و کردار کسانی که در قدرت هستند بر افراد پائین‌دست اشاره دارند:

«کسانی که در یک مقامی هستند، چه مقام‌های پائین و چه مقام‌های بالا، اگر بخواهند مملکت اصلاح بشود، اگر بخواهند این کشور آرامش پیدا بکند، آنها باید آرامش را از بالا شروع کنند. از پائین آرامش نمی‌شود حاصل بشود. باید اشخاصی که زمامدار امور هستند، هر نحو زمامداری، باید از آن‌جا آرامش را شروع کنند. آرامش آنها کشور را به آرامش می‌کشد و اگر خدای نخواستہ طغیان کنند، طغیان آنها کشور را به هلاکت می‌کشاند.» (همان، ص ۳۹۲)

۲-۲-۱- خطرناک بودن مقام برای افراد تزکیه نشده

همچنین ایشان خطر انسان‌های تزکیه نشده که وارد مراکز قدرت می‌شوند را از بزرگترین خطرات برای بشریت برمی‌شمارند:

«اگر نفوسی تزکیه نشده و تربیت نشده وارد بشوند در هر صحنه، در صحنه توحید، در صحنه معارف الهی، در صحنه فلسفه، در صحنه فقه و فقهات، در صحنه سیاست، در هر صحنه‌ای که وارد بشوند اشخاصی که تزکیه نشدند و تصفیه نشدند و از این شیطان باطن رها نشدند، خطر این‌ها بر بشر خطرهای بزرگ است و باید کسانی که می‌خواهند در این عالم تربیت کنند دیگران را، قبلاً خودشان تزکیه شده باشند، تربیت شده باشند و کسانی که در بشر می‌خواهند زمامداری کنند، اگر بخواهند که طغیان نکنند و کارهای شیطانی نکنند باید تزکیه کنند خودشان را و بعثت برای همین است که همگان را تزکیه کند و این تزکیه برای دولتمردان، برای سلاطین، برای رؤسای جمهور، برای دولت‌ها و برای سردمداران بیشتر لازم است تا برای مردم عادی.» (همان، ص ۳۹۱-۳۹۲)

در جایی دیگر به این نکته اشاره دارند که فساد مسئولان می‌تواند تمام کشور را به فساد بکشاند:

«یک نفر در بازار یا یک نفر در روستا اگر طغیان بکند یک نقطه محدودی را به فساد ممکن است بکشد، لکن اگر طغیان در کسی شد که مردم او را پذیرفته‌اند، در عالمی شد که مردم آن عالم را پذیرفته‌اند، در سلطانی شد که مردم آن سلطان را پذیرفته‌اند، در رؤسایی شد که مردم آنها را پذیرفته‌اند، این گاهی یک کشور را به فساد می‌کشد.» (همان، ص ۳۹۲)

۲-۳-۲ خدمت برای خدا

کمیاب‌ترین گوهرها «اخلاص» در عمل است. یعنی کاری را فقط برای خدا خالص ساختن و چیزی را شریک او نساختن. بسیاری اوقات رعایت مصالح شخصی یا جلب منافع یا جلب توجه دیگران یا انگیزه‌های دنیایی خط‌دهنده اعمال ماست.

۲-۳-۱-۲ عدم توقع از دیگران

اگر کار برای خداست، انسان مخلص، چشمداشت تشکر و قدردانی از غیر خدا ندارد. اگر قدرشناسی و ناسپاسی هم دید، باز در عمل خویش ثابت‌قدم و استوار است. این نشانه آن است که برای خدا کار می‌کند.

«انسان که یک قدم اصلاحی و زندگی‌ساز برمی‌دارد نباید توقع داشته باشد که مورد پذیرش همه قرار گیرد. این نخواهد شد؛ امیرالمؤمنین را هم تا آخر عمر عده‌ای قبول نداشتند. اگر انسان بخواهد برای اسلام خدمت کند نباید توقع این را داشته باشد که همه او را بپذیرند. کسی که می‌خواهد برای خدا کار کند باید پیه حبس، تبعید، بدنامی و سایر چیزها را به خود بمالد. اگر به شما فحشی می‌دهند، شما برای خاطر خدا بپذیرید و ثواب کنید.» (همان، ج ۱۸، ص ۲۷۵)

۲-۳-۲-۲ عدم توقع اجر دنیوی

«از خدا اجر بخواهید. این چیزهایی که در دنیاست اجر این نیست که شما جانتان را فدا کردید و در طبق اخلاص گذاشتید حالا عوض این‌که جانتان را فدا کردید یک خانه می‌خواهید، یک دکان می‌خواهید، یک پست می‌خواهید، اصلاً می‌شود این عوض او باشد!» (همان، ج ۱۲، ص ۳۵۷).

۴-۲ عدم دلسردی از شکست

به‌طور معمول درست پیش از کامیابی‌ها و پیروزی‌ها است که شاید دلسردی و شکست ظاهری از راه برسد؛ لذا نباید یک مسئول از شکست دلسرد شود، مخصوصاً اگر عمل همراه با یک تکیه‌گاه دینی و الهی انجام گرفته باشد؛ حضرت امام نیز در جمع گروهی از زندانیان سیاسی دوران رژیم شاه در سال ۱۳۵۸ به این نکته مهم اشاره دارند:

«شما دارید یک عمل انسانی - اسلامی برای خدا انجام می‌دهید، [اگر] توانستید انجام بدهید که به آن نتیجه هم رسیدید، اگر نتوانستید هم انجام بدهید باز شما برد دارید، برای این که پیش خداست، مطلب الهی است. کسانی که برای خدا کار می‌کنند هیچ‌وقت باخت در آن نیست. آنهایی که برای دنیا کار می‌کنند باخت دارند که اگر نرسیدند خوب، باختند و عمرشان را هم هدر دادند، اگر برسند هم باخت دارند؛ لکن آنهایی که برای خدا قیام می‌کنند، اطاعت امر خدا را می‌خواهند بکنند، نهضت برای خدا، قیام برای خدا، عمل برای خدا، این هیچ‌وقت شکست ندارد.» (همان، ج ۱۰، ص ۴۴۲)

۴-۵ ساده‌زیستی

یکی از ویژگی‌های مهم کارگزاران نظام اسلامی ساده‌زیستی است. ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی یکی از ارزش‌های پذیرفته مکتب انبیا است. از این‌رو رهبران الهی ساده زندگی می‌کردند و دیگران را نیز به این عنصر دعوت می‌کردند.

«طرز حکومت اسلام، طرز حکومت آدم‌سازی است. شما خود رؤسای اسلام را باید ملاحظه کنید، مثل پیغمبر اکرم که رئیس اسلام است، امیرالمؤمنین که بعد از او رئیس اسلام بود. شما خود آنها را ببینید که وضع‌شان چه جوری بوده، دیکتاتوری بوده است؟ پیغمبری که با مردم دیگر وقتی می‌نشست معلوم نبود آقا کدام است و نوکر کدام است» (همان، ج ۴، ص ۳۹۵-۳۹۶).

بی‌تردید برای کارگزاران رعایت ساده‌زیستی از دو جهت اهمیت دارد: اول: آنکه آنان پاسداران ارزش‌های اسلامی هستند. از این‌رو باید الگو باشند. دوم: ساده‌زیستی آنان موجب می‌شود که کارگزاران با فقر و درد محرومان و فقیران جامعه بیشتر آشنا شده و سیاست‌هایی را در رفع مشکلات آنها و فقرزدایی اتخاذ نمایند. کارگزارانی که طعم تلخ فقر را نچشیده‌اند، نمی‌توانند درد فقیران و محرومان را درک کنند. با توجه به همین نکته است که حضرت امام یکی از شاخصه‌های مهم حکومت اسلامی را ساده‌زیستی مسئولان آن برمی‌شمارند: «اسلامی بودن یک مملکت به این است که از آن رئیس جمهور که آن بالا هست به حسب اعتبار تا آن کسی که آن پائین‌هاست این‌ها یک جور باشند، نه این از او بترسد نه او توقع داشته باشد که این از او بترسد، اسلام این‌طوری است... ما می‌خواهیم این‌طور بشود که وقتی رئیس یک مملکتی، فرض کنید رئیس جمهور، نخست‌وزیرش توی جمعیت می‌آید همچو امتیازی نباشد که مردم کنار بروند، آی آه واه بشود. زمان رژیم سابق اگر می‌خواست این شخص از یک خیابانی عبور کند، سازمان امنیت و مأمورها قبل از این که بیاید، دو روز، سه روز قبل این جاها را همه را تحت نظر می‌گرفتند، خانه‌ها را این خانه‌ها را خالی می‌کردند از مردم تحت نظر می‌گرفتند

که ایشان می‌خواهد یک عبوری از این‌جا بکند. چرا؟ برای این‌که خودش خائن بود و خائن می‌ترسد. خیانت به مملکت کرده بود و خائن خائف است، از خودش می‌ترسد، می‌ترسد بکشندش. اما مالک اشتر هم این‌طور بود؟ توی مردم بودند، حضرت امیر تو مردم بود، با مردم بود. پیغمبر اکرم توی مسجد به حسب نقل توی مسجد وقتی نشسته بودند با اصحابشان، یک عرب که از خارج می‌آمد نمی‌شناخت کدام یکی [از] آنها پیغمبرند، کدام یکی دیگران هستند. می‌پرسید که: کدام یکی تان هستید پیغمبر کدام‌ها هستید وضع این‌طور بود که دور می‌نشستند، یک صدری یک ذیلی نبود دور هم می‌نشستند، وقتی یک کسی می‌آمد، خوب این‌ها که دور هم نشسته‌اند کدام یکی‌شان هستند. وضع حکومت اسلام این است» (همان، ج ۸، ص ۴۲۸-۴۲۹).

ایشان رابطه‌ای را بین نفوذ شیطان و ظهور زرق و برق دنیایی بیان می‌کند:

«آن روزی که زرق و برق دنیا پیدا بشود و شیطان در بین ما راه پیدا کند و راهنمای ما شیطان باشد، آن روز است که ابرقدرت‌ها می‌توانند در ما تأثیر کنند و کشور ما را به تباهی بکشند.» (همان، ج ۱۷، ص ۳۷۷)

در جایی دیگر اشاره‌ای نیز در مورد ساده‌زیستی و انجام کارهای بزرگ دارند:

«آنهایی که منشأ آثار بزرگ بودند، در زندگی ساده زندگی کردند. آنهایی که در بین مردم موجه بودند که حرف آنها را می‌شنیدند، آنهایی ساده زندگی کردند.» (همان، ج ۱۹، ص ۲۵۱).

۱-۵-۲ عواقب خروج مسئولین از ساده‌زیستی

حضرت امام در فرازهایی دیگر از بیانات خود به عواقب عدم توجه به ساده‌زیستی اشاره می‌کند:

«اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید. برای این‌که مردم می‌گویند ببینید آن وقت نداشتند که مثل مردم زندگی می‌کردند، امروز که دارند و دستشان می‌رسد از مردم فاصله گرفتند. باید وضع مثل سابق باشد. باید طوری زندگی کنیم که نگویند طاغوتی هستیم.» (همان، ج ۱۷، ص ۴۵۳)

۲-۵-۲ ساده‌زیستی شرط مقابله با ابرقدرت‌ها

«اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند خود را به ساده‌زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید. مردان بزرگ که خدمت‌های بزرگ برای ملت‌های خود کرده‌اند اکثر ساده‌زیست و بی‌علاقه به زخارف دنیا بوده‌اند. آنها که اسیر هواهای پست نفسانی و حیوانی بوده و هستند برای حفظ یا رسیدن به آن تن به هر ذلت و خواری می‌دهند و در مقابل زور و قدرت‌های شیطانی خاضع و نسبت به توده‌های ضعیف ستمکار و زورگو هستند، ولی وارستگان به خلاف آنانند؛ چرا که با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی‌توان ارزش‌های انسانی اسلامی را حفظ کرد.» (همان، ج ۱۸، ص ۴۷۱)

۶-۲ توکل به خدا و اعتماد به نفس

توکل به معنای اعتماد است. بنابراین توکل علی الله به معنای اعتماد و تکیه کردن به خداست. به این معنا که خدا را به عنوان تکیه‌گاه قابل اطمینان و اعتماد پذیرفته و در امور خویش به وی تکیه می‌کند. توکل در اصطلاح به معنای آن است که شخص در امور خویش خداوند را به عنوان کسی که سررشته همه امور و

قدرت در دست اوست و اراده وی بر همه چیز حاکم است تکیه‌گاه خویش قرار می‌دهد و به امید حمایت و کمک و یاری او اقدام می‌کند.

اعتماد به نفس زمانی مورد تأیید است که به معنای توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ذاتی انسان که خداوند در وی به ودیعت نهاده، باشد چنین شخصی با پذیرش توانایی‌های خدادادی خویش می‌بایست با توکل و اعتماد به قدرت لایزال الهی کارهای خویش را انجام دهد و خداوند را با تمام توانایی‌ها و باورهای خویش تکیه‌گاه قرار دهد و در همان حال از تکیه کردن به غیر خدا پرهیز کند.

«شما دو جهت را در نظر بگیرید که من کراراً عرض کردم، یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی که وقتی که برای او بخواهید کار بکنید به شما کمک می‌کند، راه را برای شما باز می‌کند، در هر رشته که هستید راه‌های هدایت را به شما الهام می‌کند و یکی اتکال به نفس، اعتماد به خودتان.» (همان، ج ۱۸، ص ۱۸۹)

۱-۶-۲ دوری از خودکم‌بینی

توجه به توانایی‌ها و استعدادها مانع اظهار ضعف است. یکی از دلایل کم‌رویی، بی‌اعتمادی به خویش است. افراد خودکم‌بین همواره در این فکرند که دیگران در مورد آنها چه فکر می‌کنند، در صورتی که اگر این افراد بدانند در مقایسه با دیگران وضعی ندارند و شاید در بسیاری از موارد در زندگی نسبت به دیگران ارجحیت هم دارند، در این حال در خود چنان قدرتی می‌یابند که می‌توانند در برابر هر امری مقاومت کنند. خودباوری و دوری از خودکم‌بینی بسیاری از مشکلات روحی را درمان می‌کند.

«ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ‌کس کم نداریم. ما که خودمان را گم کرده بودیم باید این خود گم کرده را پیدا کنیم و این فکر که بر ما تحمیل شده بود که "اگر دست خارج کوتاه شود می‌میریم" را با تمام قدرت از بین ببریم.» (همان، ج ۱۵، ص ۳۱۰)

۲-۶-۲ اعتماد به نفس سد سلطه اجانب

«آن‌وقتی که نفس شما قوی شد و اعتنا نکردید اعتنا به این زخارف نکردید آن‌وقت است که از شما حساب می‌برند.» (همان، ج ۶، ص ۳۲۹)

۳-۶-۲ تزلزل رأی، باعث شکست برنامه‌ها

موفقیت چیزی نیست جز مجموعه‌ای از ناکامی‌ها و هر جا موفقیت بزرگی می‌بینید انبوهی از ناکامی‌ها را در مسیر آن مشاهده خواهید کرد. و بنا به فرمایش امام خمینی (ره) نمی‌شود انسان در همان ابتدای کار نتیجه بگیرد و در مسیر انجام عمل نیز نباید تزلزل رأی داشت:

«هر کاری را که انسان شروع می‌کند نمی‌شود که در همان روزهای اول هر چه را که می‌خواهد انجام بگیرد. این‌که شما می‌گویید که کاری نکرده‌ایم، همین‌که درصدد هستید که کار خوب انجام بدهید، این بزرگترین کاری است که انجام گرفته است. انسان اول که می‌خواهد یک مقصدی را، مقصد بزرگی را شروع کند، تصمیم گرفتن برای او شاید از مشکل‌ترین کارهایی است که انسان مبتلا به آن است... یک کار مهمی است شما تصمیم بعد گرفتید، بعد از تصمیم، هیچ به خودتان تزلزل و سستی راه ندهید. برای این‌که چنانچه انسان تصمیمی به یک امری

گرفت ولی متزلزل باشد در این که آیا می‌تواند این کار را تا آنجا که می‌خواهد و آرزو دارد عمل کند، تصمیم‌گیری با این تزلزل نمی‌تواند کار را درست انجام بدهد. باید همان‌طور که شما تصمیم گرفتید جازم باشید [و] امیدوار باشید که این عمل را می‌توانید انجام بدهید اگر بخواهید، می‌توانید انجام بدهید.» (همان، ج ۱۴، ص ۶۰)

۲-۷-۲ تعهد به موازین و معیارهای اسلامی

۲-۷-۱ اصل اسلام

در حکومت اسلامی مسئولیت‌ها نباید به مهره‌های مؤثر در رژیم‌های طاغوتی که معمولاً سابقه سوء دارند، واگذار شود؛ به دلیل این که آنها علاوه بر آنکه صلاحیت چنین مسئولیتی را ندارند، از نظر مردم نیز اعتبار ندارند، و سبب وهن حکومت اسلامی می‌شود.

«اساساً این انقلاب و این نهضت، بر اساس اسلام است؛ یعنی ما هیچ‌ت‌ز دیگری، هیچ امر دیگری را غیر از اسلام نمی‌پذیریم و این قوای انتظامی اعم از سپاه پاسداران و ژاندارمری و ارتش و دیگران، باید خودشان را با اسلام منطبق کنند. افرادی که آن دید اسلامی را ندارند، یعنی نپذیرفتند اسلام را، این اشخاص را باید تصفیه کنند. اشخاصی که دید اسلامی دارند، پذیرفته‌اند اسلام را، لکن در عمل، عمل اسلامی ندارند، سر خود کارهایی که خودشان می‌خواهند می‌کنند، این‌ها هم باید هدایت بشوند و چنان‌چه مایوس شدند سران از این که هدایت تأثیر بکنند، تصفیه بشوند.» (همان، ج ۱۳، ص ۳۹)

۲-۷-۲ محتوای اسلامی

متوجه باشید که امروز آن چیزی که همیشه بیشتر از چیزهای دیگر است این است که ما حفظ اسلامیت این نهضت را بکنیم. این نهضت از اولش اسلامی بود و تا این‌جا هم اسلامی هست و ان‌شاءالله تا آخر هم اسلامی باشد و همه ما و همه شما و همه ملت و همه کسانی که در سپاه و ارتش و در ژاندارمری و در شهربانی و ادارات هستند و دولت و همه باید هم‌شان این باشد که نهضت را اسلامی پیش ببرند. اگر اسلامی بودن نهضت محفوظ باشد، دیگر آسیب نمی‌بینید. اگر چنان‌چه نهضت از اسلامیت‌اش بیرون رفت، هر کس یک راهی دارد، راه‌ها مختلف خواهد شد. وقتی راه‌ها مختلف شد، آسیب می‌بیند. (همان، ج ۱۲، ص ۴۵۴)

«وقتی که برویم در ژاندارمری برویم از اسلام خبری نباشد، در سپاه پاسداران بیاییم مثلاً از آن‌جا خبری نباشد، ارتش برویم خبری نباشد، ادارات خبری نباشد، این جمهوری اسلامی نیست، این یک لفظ غلطی است که گذاشتند روی جمعیتی و روی مملکتی که دارد همان به طور طاغوت اداره می‌شود. ما باید این محتواها را با جدیت اصلاح بکنیم.» (همان، ج ۱۳، ص ۴۱)

۲-۸ استقامت و بردباری در مشکلات

صبر و استقامت و تحمل دشواری‌ها در راه خداوند یکی از صفات برجسته انسان‌هایی است که با عزم قاطع در راه حق گام برمی‌دارند. تاریخ بشریت آکنده از زندگی انسان‌هایی است که در راهی که انتخاب کرده

بودند نهایت استواری را نشان داده و در نهایت بر مشکلات غالب شده‌اند. این خصوصیت نیز در شاخصه‌های یک مسئول می‌بایست نمودار باشد:

«همت مردان مصمم هر کار مشکلی را آسان می‌کند و بعد انجام می‌دهند. شما که برای رضای خدا خدمت می‌کنید سعی کنید در مقابل تمامی مشکلات بایستید و مبارزه کنید. امروز هم که در جمهوری اسلامی همه با هم هستند و دولت و مردم با هم دوست هستند، حل مشکلات آسان‌تر است، با گرمی با مشکلات مواجه شوید و مبارزه کنید تا حل شود.» (همان، ج ۱۸، ص ۴۸-۴۹)

۲-۹ اشاعه معنویت و اقامه عدالت

از دیدگاه حضرت امام فلسفه دین اسلام و مقصد تمام انبیا در دو چیز خلاصه می‌شود؛ اول حفظ و تقویت معنویت و اقامه عدل. لذا مسئولان یک نظام اسلامی نیز باید در همین راستا گام بردارند:

«ما باید دولت اسلامی را، همه مردم، همه انسان‌ها دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتواند اقامه عدل بکند و دولت باید جهات معنوی را هم در نظر بگیرد؛ یعنی چون تابع اسلام است باید روی رویه اسلام باشد. روی رویه اسلام به همان دو معنا، به همان دو راهی که اسلام دارد، حفظ معنویات و تقویت معنویات مردم و اقامه عدل بینشان و نجات دادن مظلومان از دست ظالمان. حالا این فرق نمی‌کند چه مظلومانی باشند که از دولت‌ها ظلم می‌کشند یا مظلومانی باشند که از ارباب‌ها ظلم می‌کشند. اسلام برای این دو جهت آمده است و ما تابع اسلامیم و باید این دو جهت را حفظ کنیم. مقررات اسلامی را به حد اعلاء خودش که اگر مقررات اسلامی به حد اعلاء خودش حفظ بشود، این دو مقصد که مقصد همه انبیا است تحقق پیدا می‌کند، مقصد روحانیت مردم و مقصد اقامه عدل در بین جامعه. و باید از آن کسی که در رأس واقع هست تا آن اشخاصی که قوای ثلاثه را تشکیل می‌دهند و چه آن اشخاصی که در خارج از این‌ها هستند لکن تعهد به اسلام دارند، باید این‌ها همه با هم این بار را بردارند، اختلاف بین‌شان نباید باشد. مقصد واحد است و همه باید در این مقصد واحد شرکت کنند. ملت باید در این مقصد شرکت کند، دولت باید در این مقصد شرکت کند، مجلس و قوه قضائیه در این مقصد باید همه شرکت کنند، علماء بلاد هر جا هستند در این مقصد باید شرکت کنند.» (همان، ج ۱۷، ص ۵۲۸-۵۲۹)

۲-۹-۱ تربیت سالم، ضامن کشور سالم

«اگر مردم را تربیت کنید به یک تربیتی سالم و دعوت کنید به این‌که با خدا آشنا بشوند، با معارف الهی آشنا بشوند، با قرآن آشنا بشوند، اگر این‌طور شد، کشور شما سالم می‌ماند و به سایر جاها هم سرایت می‌کند.» (همان، ج ۱۹، ص ۳۵۷)

۲-۹-۲ عدالت با مردم

از آنجایی که حضرت امام حکومت اسلام را در یک سلسله الهی در نظر می‌گیرد لذا زمامداران و کارگزاران حکومت اسلامی را نیز همچون سرسلسله این حکومت، یعنی خداوند را در شرطی «بایدی» به عدالت فرا می‌خواند:

«اسلام خدایش عادل است، پیغمبرش هم عادل است و معصوم، امامش هم عادل و معصوم است، قاضی‌اش هم معتبر است که عادل باشد، فقیهش هم معتبر است که عادل باشد، ... از ذات مقدس کبریا گرفته تا آن آخر، زمامدار باید عادل باشد. ولاتشان هم باید عادل باشند.» (همان، ج ۳، ص ۳۰۴)

یکی از اهداف و آرمان بلند حضرت امام برقراری عدالت و ظلم‌ستیزی بوده است. از این‌رو است که ایشان یکی از اهداف حکومت خویش را برقراری عدالت بیان کرده است:

«عدالت را اجرا کنید، عدالت را برای دیگران نخواهید، خودتان هم بخواهید. در رفتار عدالت داشته باشید، در گفتار عدالت داشته باشید.» (همان، ج ۱۹، ص ۳۷۷-۳۷۸)

۲-۹-۳ رعایت عدالت، مانع فساد

یکی از ویژگی‌ها و صفات مهم کارگزاران نظام اسلامی، عدالت، ظلم‌ستیزی و مساوات‌نگری است. عدالت و ظلم‌ستیزی از مقوله‌هایی است که در اندیشه سیاسی حضرت امام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نگاه امام با دیدگاه قرآن و منظر رهبران الهی دیگر نیز هماهنگ است:

«عنایت شما فرماندارها یا خدمتگزاران به خلق، به این طبقه ضعیف بیشتر باشد تا آن طبقه بالا. مبدا یک وقتی یک نفر آدمی که مثلاً متمکن است و چیزدار است با یک نفر آدم ضعیف، او را با آنکه آن یکی باید جلو باشد او را جلو بیندازید. من نمی‌گویم آن یکی را جلو بیندازید، می‌گویم عدالت باید باشد. البته در یک فرمانداری که به آن احتیاج دارند، نمی‌تواند همه را یک‌دفعه بپذیرد لکن روی عدالت باشد که آن آدمی که ضعیف است هم بپذیرد، آن یکی هم که غیرضعیف است او را هم بپذیرد.» (همان، ج ۹، ص ۱۲۳)

۲-۱۰ مردمی بودن

یکی از ویژگی‌های مهم کارگزاران، مردمی بودن آنان است. اگر کارگزاری، پایگاه مردمی بودن خود را از دست داد، بی‌تردید در ایفاء مسئولیت خود موفق نیست. پایگاه مردمی در صورتی به وجود می‌آید که کارگزاران خود را «تافته جدا بافته» تلقی نکرده و از مردم باشند و در میان مردم. اگر کارگزاران در میان مردم نباشند و حقایق و مشکلات مردم را از زبان آنان نشوند، چطور می‌توانند سیاست‌های معقول و منطقی برای رفع مشکلات آنان اتخاذ کنند؟ مسئولانی که در اتاق‌های در بسته به فعالیت‌های خود پردازند، و از دیدگاه‌ها و خواست‌های مردم فاصله گرفته و مردم مدت‌ها انتظار بکشند که موفق به دیدار آنان شوند، هیچ‌گاه موفق نخواهند بود. و همین عدم ارتباط کارگزاران با مردم موجب می‌شود که مردم در شناخت حقایق دچار اشتباه شوند.

با توجه به اهمیت رابطه کارگزاران با مردم و پایگاه مردمی بودن و آثار مفید آن است که حضرت امام در موارد متعدد به این مهم تأکید داشتند: «ما یک حاکمی می‌خواهیم که توی مسجد وقتی آمد نشست، بیایند دور او

بنشینند با او صحبت کنند، با او حرف بزنند، اشکال دارند، اشکال‌شان را بگویند. ما یک امیری می‌خواهیم که وقتی یهودی آمده ادعا کرده، قاضی می‌فرستد سراغ امیر که بیا، می‌آید می‌نشیند در مجلس قضا همین قاضی که خودش نصب کرده در مجلس... قضاوت می‌نشیند، طرح دعوا می‌شود و رأی بر خلاف حضرت امیر سلام الله علیه می‌دهد.... ما یک حکومت عادل می‌خواهیم.» (همان، ج ۵، ص ۵۱۳-۵۱۴)

۱-۱۰-۲ از خود دانستن مردم

خصیصه مردمی بودن در انقلاب‌های دیگر هم کم و بیش وجود دارد ولی در انقلاب اسلامی ایران بسیار برجسته‌تر می‌باشد. همه شاهد بودند اکثریت قریب به اتفاق این ملت به صحنه آمدند و خواستار سرنگونی نظام شاهنشاهی و برقراری نظام اسلامی شدند. نظامی، کارگر، کارمند، کشاورز، روحانی، دانشجو، معلم، شهری، روستایی، همه و همه در آن سهیم بودند. مردم به‌صورت راهپیمایی و تظاهرات و اعتصابات و در نهایت در نبردی مسلحانه مردمی رژیم را ساقط کردند. این وجه از مردمی بودن انقلاب شاخص می‌باشد. امام مسئولان را به این نکته مهم توجه می‌دهد که مردم شما مسئولان را به این مقام رسانده‌اند و مردم نباید فراموش شوند:

«برای این مردم ستم‌دیده خدمت کنید، این مردمی که شما را به این‌جا رسانده‌اند و اگر این‌ها نبودند حالا یا در حبس‌ها بودید یا در قبرستان‌ها. برای اینها باید خدمت بکنید، همه‌مان خدمت بکنیم، هر کس به هر اندازه‌ای که می‌تواند.» (همان، ج ۱۹، ص ۳۷۷)

در جای دیگر لازمه سالم ماندن کشور را تفاهم ملت و دولت می‌داند:

«اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد.» (همان، ج ۸، ص ۲۳۰)

۲-۱۰-۲ پایگاه مردمی، اساس استحکام نظام

«اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد؛ اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت؛ این که رژیم سابق از بین رفت برای این که پشتیبان نداشت، ملت پشتیبانش نبود، ملت پشت به او کرد، بلکه خود ملت او را بیرونش کرد.... کاری نکنید که مردم بگویند که ای کاش نبود این پاسدار، کاری ما نکنیم که مردم بگویند ای کاش روحانیتی در کار نبود.» (همان، ص ۳۷۲).

۳-۱۰-۲ رضای ملت، رضای خدا

«همه خدمتگزار باشید و در این خدمتگزاری بدانید که هم رضای خدا را تحصیل کردید و هم رضای ملت که رضای خداست تحصیل کردید.» (همان، ج ۷، ص ۵۱۳)

۴-۱۰-۲ همراه نمودن مردم

از دیدگاه اسلام، کارگزاران خدمتگزاران مردم هستند، نه ارباب آنان. از این‌رو باید نحوه رفتار و معاشرت آنان با مردم، بر اساس عناصر ارزشی اسلام باشد. تاریخ جوامع بشری نشان می‌دهد که کارگزارانی در ایفاء

مسئولیت خویش موفق بودند که از عناصر مهم اخلاقی همانند تواضع، مهر به مردم و ... بهره گرفته‌اند. در حوزه فرهنگ اسلام نیز به این عناصر توجه شده است.

«پایگاه پیدا کنید در بین مردم. وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا از شما راضی است، ملت از شما راضی است، قدرت در دست شما باقی می‌ماند و مردم هم پشتیبان شمایند.» (همان، ص ۵۱۲)

۱۱-۲ عمل‌گرایی و پرهیز از شعارگرایی

یکی از ویژگی‌ها و صفات کارگزاران نظام اسلامی عمل‌گرایی است که این امر جز با درایت و مدیریت کارگزار به انجام نخواهد رسید. از این‌رو است که این مسئله نیز در بیانات امام به فراوانی مشاهده می‌شود:

«اگر در ایران هم مثل سابق، مثل سال‌های گذشته تمام مسائل برمی‌گشت به این‌که مشکلات گفته بشود و هیچ عمل نشود، مصیبت‌ها را ذکر بکنند و بروند منزلشان بخوابند، اگر این‌طور بود الان هم زیر بار همان رژیم و همان گرفتاری‌ها بودیم.» (همان، ج ۹، ص ۴۰)

۱۲-۲ انتقادپذیری

یکی از ویژگی‌ها و صفات مهم کارگزاران، سعه‌صدر است. سعه‌صدر که به معنای باحوصلگی، گشادگی نظر و همت‌بلند به کار می‌رود، از صفات ضروری کارگزاران است. در فرهنگ اسلام نیز به آن توجه شده است. سعه‌صدر و توجه به دیدگاه‌ها و انتقاد مخالفان رمز موفقیت یک کارگزار است. کارگزاران نباید در مقابل انتقاد مخالفان تحمل خود را از دست داده، عجولانه قضاوت کرده، آنان را سرکوب کنند، بلکه با سعه‌صدر به انتقاد آنان توجه کرده و حقایق را قبول کنند، که روح انتقادپذیری صفتی پسندیده است. همچنین باید کارگزاران در قبال خواست‌های مشروع مردم و رسیدگی به مشکلات آنان پرحوصله بوده و همت‌بلند داشته باشند.

۱-۱۲-۲ ضرورت انتقاد برای اصلاح امور

«هیچ‌کس و هیچ دستگاهی و هیچ فردی نمی‌تواند ادعا کند که من نقص هیچ ندارم. اگر کسی ادعا کرد این را، این بزرگترین نقصش همین ادعاست... انسان که بخواهد برای خدا کار بکند و به مقام انسانیت برسد، باید همیشه دنبال این باشد که ببیند چه عیبی دارد، دنبال این نباشد که ببیند چه حسنی دارد؛ برای این‌که دنبال این‌که چه عیبی دارد، می‌شود که انسان درصدد رفع او برآید و دنبال این‌که چه حسنی دارد، پرده می‌شود در چشم انسان و نمی‌تواند عیوب خودش را ببیند.» (همان، ج ۱۷، ص ۲۴۶)

از خصوصیتی که حضرت امام داشتند، آینده‌نگری ایشان بوده است. به نظر می‌رسد اگر تنها به همین نکاتی که در چند سطر آتی بیان می‌شد، عمل می‌گردید، بسیاری از حوادث پس آن انتخابات - که دل تمام دوستداران انقلاب را به درد آورده است - به وقوع نمی‌پیوست:

«آقایان در یک محیط آرام مسائلی که دارند با آرامش بیان کنند، اختلافاتی که در دیده‌ها دارند، در سلیقه‌ها دارند این‌ها را با یک آرامش خاطر بیان کنند و حل و فصل کنند و راجع به مسائل کشور هم که در آن‌جا می‌آید باز هم با یک محیط آرام، در محیط آرام است که عقل‌ها می‌توانند کار بکنند. آن روزی که غضب توی کار آمد عقل کنار

می‌رود. قوه غضبیه هر وقت به راه افتاد، عاقله را کنار می‌زند [شخص] از روی بی‌عقلی صحبت می‌کند... انتقادات آزاد است به اندازه‌ای که نخواهند یک کسی را خفیف کنند یا یک گروهی را خفیف کنند و از صحنه خارج کنند. انتقاد برای ساختن، برای اصلاح امور، لازم است، هر مجلسی باید این انتقادات را داشته باشد لکن اگر این انتقادات، آنکه انتقاد می‌کند با آرامش خاطر و با نظر صحیح انتقاد بکند، این که جواب می‌دهد هم اگر با نظر صحیح و بدون این که غضب در آن راه داشته باشد جواب بدهد، آن وقت منطق در مقابل منطق است و اگر با هیاهو و جار و جنجال بخواهید شما یک مسئله را حل بکنید و هر کسی در نظر داشته باشد که طرف مقابل خودش را مثل یک دشمن بکوبد، عقل‌ها کنار می‌رود و قوه غضبیه که بدترین قوه‌هاست اگر مهار نشود، در کار می‌افتد و مسائل را علاوه بر این که حل نمی‌کنند مشکل‌تر می‌کنند.» (همان، ج ۱۴، ص ۳۶۵-۳۶۶)

از برخی بیانات امام خمینی (ره) این گونه استنباط می‌شود که در طول حیات ایشان گویا حوادث مشابه با انتخابات سال جاری روی داده است چه این که خطاب این بیانات امام کاملاً به اوضاع و شرایط کنونی که نظام اسلامی در حال گذار از آن است، منطبق است:

«از عموم ملت عظیم‌الشان و خصوص دولتمردان می‌خواهم که از تجربه تلخی که... در ماه‌های اخیر به اوج خود رسید و روزگار را بر همه تاریک و تلخ کرد، عبرت بگیرند و بر آن باشند که مدتی هم تجربه برادری و اتحاد را به کار برند و با محبت و رحمت همکاری و همفکری را اگر چه با تکلف هم باشد، پیشه خود قرار دهند و به کمک هم برای ساختن کشور بشتابند و نسبت به یکدیگر با عفو و اغماض رفتار نمایند. اگر خدای نخواست از آن بد دیدند، فرصت فراوان است و میدان باز، ولی مطمئن باشند که وعده خداوند متعال بر آن است که اخوت ایمانی و دوستی و محبت با یکدیگر موجب نجات است... تأثیر موعظه حسنه در نفوس بسیار زیادتر است از عیب‌جویی و بدگویی، و ممکن است قلم‌ها و زبان‌های عیب‌جو در بعضی از نفوس، عصیان بیاورد و به جای اثر مثبت و نیکو اثر منفی و بد به جا گذارد و به جای اصلاح، موجب افساد شود. باید حضرات اعلام بدانند که با وجود اشتباه و خطا در متصدیان امور، آثار نیک و مثبتی که در کشور به دست متصدیان و به کمک ملت عزیز انجام گرفته بسیار بیشتر است از اشتباهات و خطاها، و چنان‌چه تمام قلم‌ها و زبان‌ها به ارشاد آنان به کار افتد و با دیده رحمت و سنت انبیا (علیهم صلوات الله) با آنان رفتار شود، به زودی با تأیید خداوند رحمان، امور اصلاح و نقیصه‌ها مرتفع می‌شود.» (همان، ج ۱۴، ص ۲۱۷)

۲-۱۲-۲ شروط انتقاد

از دید حضرت امام انتقادی می‌تواند سازنده باشد که دارای شرایطی باشد:

«مهم این است که در مقام بیان مسائل و رد مسائل، انتقاد و تکذیب به آن‌جا نرسد که قوه عقلیه کنار و با قوه غضبیه انسان وارد میدان بشود. اگر یک کسی هم فرض کنید از زبانش یک مطلبی برخلاف شما صادر شد شما بروید و مطلب را منطقی صحبت کنید، با داد و فریاد و خدای نخواست حرف زشت زدن کار درست نمی‌شود.» (همان، ص ۳۶۸)

۱۳-۲ اعتراف به اشتباه

خصوصیت اعتراف به اشتباه در زندگی شخصی و خانوادگی تأثیرات مثبت فراوانی دارد و مسلماً این تأثیرات در حوزه گسترده‌ای در مقیاس حکومت یک کشور بیشتر خواهد بود. حضرت امام نیز مسئولان نظام را در موارد متعدد به اعتراف به اشتباه فرا می‌خواند. ایشان خطاب به افسران ارتش ایشان را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد:

«یک مطلبی را که می‌گویید چنان‌چه خطایش را فهمیدید حاضرید به این‌که بگویید من خطا کردم، اشتباه کردم یا همان خطا را می‌خواهید تا آخر به پیش ببرید، از مفسادی که دیکتاتوری دارد و دیکتاتور مبتلا به آن هست این است که یک مطلبی را که القا می‌کند بعدش نمی‌تواند، قدرت ندارد بر خودش که این مطلبی که القا کرده است اگر خلاف مصلحت است، اگر خلاف مصالح - فرض کنید - کشور خودش هم هست، خلاف مصلحت ارتش هم هست نمی‌تواند که از قولش برگردد، می‌گوید "گفتم و باید بشود" این بزرگترین دیکتاتوری‌هاست که انسان به آن مبتلا هست که چیزی که "گفتم باید بشود" ولو این‌که یک کشور به تباهی کشیده بشود... شماها که ان‌شاءالله بعدها یک چهره‌های فعالی برای این مملکت می‌شوید و یک چهره‌های اسلامی برای این مملکت می‌شوید، بدانید که این چیزهایی که در نفس خودتان هست این اوصافی که در نفس خودتان هست، اگر مهار نکنید، یک وقت یک دیکتاتور از کار در می‌آید، این‌طور نباشد که آن‌قدر خودتان را ببینید که هر چه می‌گویید همان درست است و آن‌قدر خودبین باشید که اگر نادرستی را فهمیدید هم حاضر به تسلیم نباشید. انسان کامل آن است که اگر فهمید که حرفش حق است با برهان اظهار کند و مطالبش را برهانی بفهماند.» (همان، ج ۱۴، ص ۹۲-۹۳)

در مورد قضاات و شورای نگهبان هم این‌گونه نظر دارند که:

«دستگاه قضائی و قضاات محترم توجه داشته باشند که در حساس‌ترین مکان نظام خدمت می‌کنند، خیلی سعی کنند تا حتی اشتباهی انجام ندهند. و در صورتی که متوجه اشتباه شدند به هیچ وجه از برگشت از حکمشان خجالت نکشند، که خجالت در پیشگاه خداوند متعال بسیار سنگین‌تر از خجالت از مردم است. سعی کنند با کمال دقت و مهربانی و قاطعیت با تمام افراد مواجه گردند، تا مردم از آنان راضی گردند که رضایت مردم رضایت خداوند را به دنبال دارد» (همان، ج ۱۸، ص ۳۴۰).

«فقهای شورای نگهبان و اعضای شورای عالی قضائی هم باید این‌طور باشند که اگر در مسئله‌ای اشتباه کردند صریحاً بگویند اشتباه کردیم و حرف خود را پس بگیرند، ما که معصوم نیستیم.» (همان، ص ۲۴۱)

۱۴-۲ زائل کردن خوی خودخواهی

از اموری که موجب سقوط انسان است خوی ناپسند خودخواهی است که این رذیله اخلاقی اگر در مقیاس حکومتی بروز کند عواقب خطرناک‌تری را به دنبال دارد و بنا به فرمایش حضرت امام منشأ همه مفساد است:

«شما توجه به این معنا داشته باشید که چنان‌چه ان‌شاءالله رئیس و فرماندار شدید، این خوی را که در انسان هست این خوی را از خودتان زائل کنید و از الان توجه به این معنا داشته باشید که مبدا مبتلا به این خودخواهی عظیم باشید که منشأ دیکتاتوری و منشأ همه مفساد است اگر یک چیزی را دیدید که واقعاً خلاف

کردید، اعتراف کنید. این اعتراف شما را در نظر ملت‌ها بزرگ می‌کند نه این که اعتراف به خطا شما را کوچک می‌کند. پایبند بودن به خطا انسان را خیلی منحط می‌کند، انسان یک حرفی زده است و خطا گفته است بعد که دید خطا گفته است اگر پایبند به این خطا باشد و دنبال این باشد که این خطای خودش را به کرسی بنشاند این همان دیکتاتوری بسیار فاسد است ولو در صورت غیر دیکتاتوری باشد، لکن دیکتاتوری است. (همان، ج ۱۴، ص ۹۳)»

۱۵-۲ مشورت، چاره دور شدن از اشتباه

در جوامع بشری، مشورت و بهره‌گیری از تجربیات و افکار دیگران یک اصل پذیرفته شده است. از این رو است که رهبران و کارگزاران جوامع، مشاورین متعدد در زمینه‌های مختلف دارند. با نگاهی به تجربه تاریخ به کرات ثابت شده است کارگزارانی که استبداد رأی دارند، در ایفاء مسئولیت موفق نبوده و در معرض لغزش‌ها و خطرات جدی قرار می‌گیرند. امام خمینی (ره) نیز مشورت را راهی برای دوری از خطا و اشتباه معرفی می‌کنند:

«باید بدانید... که انسان از اشتباه و خطا مأیوس نیست. به مجرد احراز اشتباه و خطا از آن برگردید و اقرار به خطا کنید، که آن کمال انسانی است و توجیه و پافشاری در امر خطا، نقص و از شیطان است. در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید و جانب احتیاط را مراعات نمایید.» (همان، ج ۱۸، ص ۷)

۱۶-۲ پرهیز از قدرت‌طلبی

در میان امت اسلام، کسانی که عاشق قدرت هستند بدتر از عاشقان ثروت می‌باشند. از این روست که در روایات بدترین امت را عاشقان قدرت دانسته‌اند. از امام صادق (ع) روایت است که فرمود: *اتری لا/عرف خیارکم من شرارکم؟ بلی والله و ان شرارکم من احب ان یوطا عقبه انه لا یبد من کذاب او عاجز الرای؛* آیا گمان می‌کنی من خوبان و بدان شما را نمی‌شناسم؟ چرا به خدا که آنان را می‌شناسم. بدترین شما کسی است که ریاست را دوست دارد و دوست می‌دارد تا مردمان پشت سرش راه بروند. این شخص به ناچار باید دروغ بگوید و یا ناتوان در رأی و پاسخ به مردمان باشد (اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۷). امام خمینی (ره) نیز با توجه دادن این نکته مهم به مسئولان، آنها را به پرهیز از قدرت‌طلبی فرا می‌خواند:

«دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد. این را همه از گوشتان بیرون کنید، همه‌تان، همه ما از گوشتان بیرون کنیم که دعوی ما برای خداست، ما برای مصالح اسلام دعوا می‌کنیم خیر، مسئله این حرف‌ها نیست... محمدرضا اگر دنبال این مسائل می‌رفت، مطلبی بود برای این که یک قدرتی بود، قدرت شیطانی بود، کسی حق نداشت یک کلمه بگوید، اما امروز که بقال سر محله می‌آید و می‌گوید که برادر نخست‌وزیر این‌جا این کار درست نیست، برادر رئیس جمهور این کار درست نیست، این دیگر قدرتی نیست، یک برادری است، یک دسته برادرند، یک دسته‌شان شانس‌شان آورده است آن‌جا نشسته‌اند، یک دسته بیچاره هم برای این‌ها سینه می‌زنند، قدرت نیست که ما حالا برای یک قدرتی بیاییم. این‌ها تلبیسات ابلیس است که بر ما غلبه کرده است و این تلبیسات ابلیسی را

چنانچه مسامحه کنید، شما را به جهنم می‌فرستد، در همین دنیا هم به تباهی می‌کشد.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۷۹)

۱-۱۶-۲ به خاطر کسب مقام دعوا نکنید

«رؤسا و دولتمردان بیدار بشوند، مخاصمه را ترک کنند، این منظره‌ها را ببینند، این جوان‌هایی که خون خودشان را در راه اسلام داده‌اند، ببینند، این جوان‌هایی که شما را به این مقام رسانده‌اند، ببینند و دست از مخاصمات بردارند، آتش‌بس کنند. در محضر خداست، همه ما در محضر خدا هستیم و همه ما خواهیم مرد و همه ما خواهیم حساب پس داد. بیدار بشوید ملت، بیدار بشوید دولت، همه بیدار باشید، همه‌تان در محضر خدا هستید، فردا همه باید حساب پس بدهید، از روی خون شهدای ما نگزیدید... و برای مقام دعوا نکنید.» (همان، ج ۱۳، ص ۴۵۸-۴۵۹)

۱۷-۲ قانون‌گرایی

قوانین در جوامع از ضروریات زندگی بشر است؛ ولیکن مهم‌تر از آن عمل به قوانین است. در خیلی از جوامع، عادلانه‌ترین قوانین، تدوین می‌شود؛ اما در عمل برخی از کارگزاران، صاحبان ثروت و قدرت قوانین را می‌شکنند. جامعه‌ای قانونمند و قانون‌گرا است که همه مردم، مخصوصاً مدیران حکومتی و کارگزاران او به قوانین احترام گذاشته و حریم مقدس قوانین را حفظ کنند. کارگزاران هر نظامی به نحوی مجریان قوانین آن نظام هستند. از این رو لازم است، کارگزاران او قانونمندترین انسان‌ها باشند.

قانون در جامعه اسلامی ریشه در قرآن و سنت دارد و سیستم قانونگذاری جامعه اسلامی، با ساختار حکومت و سیستم قانونگذاری جامعه غیراسلامی، متفاوت است. از این رو قانونمندی در جامعه اسلامی، با قانونمندی جامعه غیردینی نیز تفاوت دارد. امام خمینی (ره) نیز با توجه به این نکته موارد و معیارهایی را در این خصوص تذکر داده‌اند:

«شخص مطرح نیست در اسلام. در اسلام قانون است، همه تابع قانون‌اند و قانون هم قانون خداست، قانونی است که از روی عدالت الهی پیدا شده است، قانونی است که قرآن است، قرآن کریم است و سنت رسول اکرم است. همه تابع او هستیم و همه باید روی آن میزان عمل بکنیم. فرقی مابین اشخاص نیست در قانون اسلام، فرقی مابین گروه‌ها نیست. با این‌که پیغمبر اکرم عرب بوده است و با عرب صحبت می‌فرموده است می‌فرماید که: هیچ عربی بر عجم شرافت ندارد.» (همان، ج ۹، ص ۴۲۵)

۱۸-۲ پیروی از ولایت فقیه

در فرهنگ شیعه عنصر امامت و رهبری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از مسائل مهمی که در خصوص کارگزاران در جامعه اسلامی شیعی، مطرح شده؛ لزوم اطاعت مردم و کارگزاران از ولایت امر است. اطاعت مردم و کارگزاران از ولایت امر، نگرشی منطقی و اصولی است. زیرا اطاعت مردم از رهبر، در حفظ و دوام حکومت، نقش بنیادی و کلیدی دارد. عدم اطاعت مردم و کارگزاران بی‌تردید یکی از علل شکست و عدم موفقیت سیاست‌های کشور می‌تواند باشد.

اطاعت مردم از ولایت امر مهم است، ولی اطاعت کارگزاران از ولایت امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به دلیل این‌که در ساختار حکومت دینی، کارگزاران هر کدام به نحوی، عناصر و مهره‌هایی هستند، که رهبر را در اجرای قوانین الهی و اداره حکومت دینی کمک می‌کنند. از این‌رو مخالفت هر کدام آنان یکی از عوامل تهدیدکننده نظام به حساب می‌آید. از طرفی کارگزاران، در نظام اسلامی، اصل مشروعیت ولایت خویش را از ولایت امر می‌گیرند. بنیانگذار انقلاب اسلامی در این خصوص مطالب فراوانی ذکر نموده‌اند که در ادامه به موردی از آن‌ها که مربوط به موضوع مورد بحث ما نیز هست اشاره می‌شود:

«ولایت فقیه هست که جلو دیکتاتوری را می‌گیرد. اگر ولایت فقیه نباشد، دیکتاتوری می‌شود. آنکه جلو می‌گیرد از این‌که رئیس جمهور دیکتاتوری نکند، آنکه جلو می‌گیرد از این‌که رئیس ارتش دیکتاتوری نکند، رئیس ژاندارمری دیکتاتوری نکند، رئیس شهربانی دیکتاتوری نکند، نخست‌وزیر دیکتاتوری نکند، آن فقیه است. آن فقیه‌ای که برای امت تعیین شده است و امام امت قرار داده شده است، آن است که می‌خواهد این دیکتاتوری‌ها را بشکند و همه را به زیر بیرق اسلام و حکومت قانون بیاورد. اسلام، حکومتش حکومت قانون است؛ یعنی قانون الهی، قانون قرآن و سنت است و حکومت، حکومت تابع قانون است؛ یعنی خود پیغمبر هم تابع قانون، خود امیرالمؤمنین هم تابع قانون، تخلف از قانون یک قدم نمی‌کردند و نمی‌توانستند بکنند» (همان، ج ۱۱، ص ۲۲-۲۳).

۱۹-۲ حفظ آبروی نظام

هر جامعه‌ای وارث سنت و اصول پذیرفته‌شده‌ای است که رهبران آن، بنیانگذاران آن اصول و سنت‌ها بوده‌اند. جامعه اسلامی نیز دارای سنت‌های صالحه است که رهبران دینی بنیانگذاران آن‌ها بوده و ریشه در معارف اسلامی دارند؛ که می‌توان از آن به عنوان ارزش‌های اسلامی یاد کرد. هویت و استقلال جامعه اسلامی بستگی به حفظ آن سنت‌ها داشته و حفظ آن موجب وحدت اسلامی است. برخی از قیام‌ها نیز برای حفظ و احیاء آن سنت‌ها شکل می‌گیرند. چنان‌که انقلاب اسلامی ایران برای حاکمیت دین خدا و احیاء سنت و ارزش‌های اسلامی به وجود آمد. از این‌رو می‌توان گفت: انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب ارزشی است. هزاران شهید خون دادند تا شجره طیبه ارزش‌های اسلامی و سنت محمد(ص) و سنت علوی به‌بار بنشیند. بنابر همین هزینه گرانبهایی که صرف شده تا این انقلاب به ثمر بنشیند، کارگزاران و مسئولان آن نیز باید نهایت دقت را داشته باشند تا آبروی نظام حفظ شده و موضوع برای ملامت نظام به دست دشمنان اسلام داده نشود. حضرت امام خمینی(ره) با توجه به این نکته مهم، مواردی را در این باب متذکر شده‌اند:

۱-۱۹-۲ انتساب به اسلام و مسئولیت بزرگ مسئولان

«چنان‌چه از سربازهای اسلام به مردم یک تعدی بشود، یک چیزی واقع بشود، یک مکروهی واقع بشود، این پای اسلام حساب می‌شود. در رژیم طاغوتی هر کاری که سازمانی‌ها می‌کردند و دیگران و قوای انتظامی، پای طاغوت حساب می‌شد. امروز آن رژیم رفت و رژیم اسلامی است، شما هم پاسدار رژیم اسلامی هستید. اگر خدای نخواست از بعضی جوان‌های شما یک تندی، یک چیز مکروهی واقع بشود که مردم مثلاً خوششان نیاید، حالا دیگر نمی‌گویند رژیم طاغوتی، می‌گویند در رژیم اسلامی هم این مسائل هست و نمی‌گویند آن آدم این کار را می‌کند،

می‌گویند پاسدارها این کار را می‌کنند. اگر یک پاسدار قدمش را کج بگذارد، می‌گویند پاسدارها این جور هستند؛ چنانچه یک روحانی پایش را کج بگذارد، می‌گویند روحانی‌ها این طوری هستند. این مسئولیت بزرگی است که برای ما هست و برای شما. برای ما هست برای این که ما خودمان را منتسب به اسلام می‌کنیم. و ما مثل شما پاسدار اسلام هستیم ان شاء الله. و برای شما هست برای این که شما هم الان پاسدار اسلام هستید.» (همان، ج ۹، ص ۲۲۰-۲۲۱)

۲-۱۹-۲ دوری از ضربه زدن به اسلام توسط خودمان

«وظیفه هر کسی که در هر جا مشغول خدمتی است، در رأس همه خدمت‌ها این است که موازین اسلامی را حفظ بکند. اگر بنا شد که مثلاً پاسدار اسلامی، موازین اسلام را حفظ نکند، مثل این است که روحانی اسلامی موازین اسلام را حفظ نکند. همان طوری که اگر روحانی اسلام موازین اسلامی را حفظ نکند، به اسلام صدمه وارد می‌شود، ... این یک پوسیدگی است که از باطن برای نهضت پیدا می‌شود که شما هر چه ظاهرش را خیلی پر سر و صدا درست بکنید، تزیین کنید، یک وقت مطلع می‌شوید که از باطنش پوسید و از بین رفت... این‌هایی که همه الآن در خدمت اسلام و برای اسلام مشغول‌اند، این‌ها کاری نکنند که ما به دست خودمان اسلام را از پا درآوریم. اسلام را در نظر خارج و داخل جوری جلوه بدهیم که برخلاف آنی است که هست. عدالت نباشد تو کار، موازین در کار نباشد. یک برنامه اسلامی در کار نباشد، هرج و مرج و هر که هر کاری دلش می‌خواهد بکند. آنکه من به حسب کلی باید بگویم به همه و تنبه بدهم این است که نباید در هر امری قدرت‌نمایی بشود. باید همه قشرهایی که مشغول برای خدمتند و خودشان هم می‌گویند برای اسلام است، باید گوششان به این باشد که اسلام چی می‌گوید ما هم به تبع آن باشیم.» (همان، ج ۱۱، ص ۶۶-۶۷)

۳-۱۹-۲ رفتار غیرانسانی خدمتگزاران و آسیب به آبروی اسلام

«هر یک از این ادارات دولتی که هست که می‌خواهند خدمت کنند به مردم، از آن کسی که دم در هست، پیشخدمت هست تا آنجایی که - مثلاً - جای رئیس هست، باید توجه داشته باشند که همه خدمتگزار این مردم هستند، همه اجیر این مردم هستند، اجرت از اینها دارند می‌گیرند برای خدمت و باید با مردم رفتارشان رفتار انسانی، اسلامی باشد؛ این طور نباشد که یک کسی حالا احتیاج پیدا کرده که پیش این - فرض کنید - رئیس برود، از دم در نامالیم ببیند. خوب، در رژیم سابق این مسائل بود و همه ما مناقشه می‌کردیم. اگر حالا هم بنا باشد که یک همچو مسائلی باشد، این به آبروی اسلام ضرر می‌زند.» (همان، ج ۱۶، ص ۴۱۲)

۴-۱۹-۲ اسلام امانت بزرگ در دستان ما

«ما امروز همه پاسدار اسلام هستیم. تمام ملت از دولتها گرفته و قوای نظمی و انتظامی گرفته و نظامی و انتظامی گرفته و تا همه قوای مسلحه، همه بازارها، همه اداره‌جات، تمام ملت، بی‌استثنا مسئول هستیم در مقابل خدای تبارک و تعالی برای این امانت. این اسلام که امانت است و دست ماست، اگر ما به این امانت خدای نخواستہ خیانت بکنیم، این یک گناهی است که معلوم نیست که آمرزیده بشود. فرق دارد با گناههای دیگری حتی با کبایر گناههای دیگر. برای اینکه بسیاری از گناهها هست که به خود انسان برمی‌گردد، به جامعه بر نمی‌گردد. لکن خیانت به این امانت، خیانت به اسلام و خیانت به ملت‌های مسلم است.» (همان، ج ۱۳، ص ۴۳۵).

۳- نتیجه‌گیری

آنچه از بیانات امام خمینی (ره) در خصوص چگونگی حکومت اسلامی و مشخصات نظام اسلامی به دست می‌آید این نکته است که تمام امکانات نظام می‌بایست در دو جهت استفاده شوند در بُعد معنوی این‌که نشانه‌های دینی و دینداری در جامعه ظهور یابد و در بُعد مادی عمران و آبادی در همه جا رخ نماید و مردمان در سایه امنیت و عدالت و رفاه به سوی عبودیت گام بردارند؛ که البته بُعد مادی نیز در خدمت بُعد معنوی انقلاب اسلامی است. امام تلاش کرد با پیوند اخلاق، سیاست و حقوق، رفتار زمامداران را مورد توجه قرار دهد و آنان را به سوی قله‌های کمال انسانیت راهنمایی کند. ایشان در عین احترام به حقوق و قواعد و مقررات، روح معنوی در کالبد امور جاری کرد و چون طبیعی حاذق، تلاش نمود تا ریشه‌های درد فقدان معنویت و اخلاق را بیابد و راه درمانی ارائه دهد. همان‌طور که اشاره شد، استفاده از بیانات و سیره رفتاری آن حضرت، نیاز به شناخت مبانی و پایه‌های نظری دیدگاه ایشان دارد. در صورت فقدان شناخت این پایه‌ها، چه بسا تفسیرهای ناروا و استفاده‌های بی‌جا از سیره ایشان شود. مهمترین خصوصیتی که می‌توان برای یک مسئول و کارگزار از دید امام خمینی (ره) برشمرد، شامل: تقوی و تزکیه نفس، ساده‌زیستی، توکل به خدا و اعتماد به نفس، تعهد به موازین و معیارهای اسلامی، استقامت و بردباری در مشکلات، اشاعه معنویت و اقامه عدالت، مردمی بودن، عمل‌گرایی و پرهیز از شعارگرایی، انتقادپذیری و زائل کردن خوی خودخواهی، پرهیز از قدرت‌طلبی، قانون‌گرایی و پیروی از ولایت فقیه است. برخی از این موارد چون اقامه عدل نقش محوری را در نظام اسلامی دارا است.

اغلب خصوصیتی که در مورد مسئولان و کارگزاران اشاره شد، به تربیت شخصی فرد بازگشت دارد و از همین نکته اهمیت تربیت اسلامی و انسانی برای هر مسلمان و مخصوصاً برای مسئولین کشور هویدا می‌شود. نکته قابل ذکر این‌که خصوصیتی که ذکر شد شرایط و خصوصیات کامل حکومت و مسئولان نظام اسلامی نیست و این موضوع نیاز به تحقیق بسیار گسترده‌تری دارد. آنچه ذکر شد مواردی بود که از دید نگارنده مهم به نظر می‌رسید.

امید است با توجه بیش از پیش به رهنمودهای امام فقیدمان راه دشواری را که در پیش‌رو داریم را به سلامت عبور نماییم.

منابع و مأخذ

- صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- کلینی، اصول کافی، ج ۳

Archive of SID